

شورای امنیت سازمان ملل متحد و شکل‌گیری رژیم مقابله با تروریسم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷

حسین قریبی*

سالار نامدار وندایی**

چکیده

این مقاله به بررسی رژیمی که شورای امنیت سازمان ملل متحد، به‌عنوان عالی‌ترین نهاد مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، به‌منظور شکل‌دهی به مبارزه همه‌جانبه علیه تروریسم ایجاد کرده است، می‌پردازد. این رژیم متشکل از دو جزء ماهوی و اداری-تشکیلاتی است که در قطعنامه‌های با موضوع مقابله با تروریسم شورای امنیت به‌ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ تجلی پیدا کرده است. «چالش تعریف تروریسم»، «الزام دولت‌ها به همکاری برای سرکوب تروریسم»، «منع پشتیبانی از تروریسم»، «اجرای تحریم‌های وضع شده از سوی شورای امنیت» و «جرم‌انگاری و تعقیب کیفری تروریسم» اصول اختصاصی جزء ماهوی این رژیم هستند. کمیته مقابله با تروریسم شورای امنیت و مدیریت اجرایی دبیرخانه آن و همچنین، ساختارهایی که در قالب گروه ویژه اقدام مالی و سایر نهادهای بین‌المللی مانند ایکائو یا اینترپل ایجاد شده‌اند و به شورا گزارش می‌دهند، جزء اداری-تشکیلاتی رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم هستند.

واژگان کلیدی: رژیم، تروریسم، سازمان ملل، شورای امنیت، حاکمیت، امنیت.

Gharibi14@gmail.com

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

ترور و تروریسم، یکی از مسائل و چالش‌های اساسی جهان امروز است. در مورد اینکه تروریسم ذیل کدام یک از مقوله‌های سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی قرار می‌گیرد، آثار و متون متعددی منتشر شده است. اما آثار و تبعاتی که تروریسم در حوزه‌های امنیتی و سیاسی ایجاد می‌کند، موجب می‌شود تا مسائل مربوط به آن از جمله «چگونگی مقابله با تروریسم» در زمره امور حساس امنیتی و در چارچوب وظایف و فعالیت‌های نهادهای سیاسی و امنیتی قرار گیرد. تروریسم پدیده‌ای سیاسی است، اما از سایر پدیده‌های سیاسی از جمله انقلاب، شورش، کودتا، راهزنی، جنگ و عملیات چریکی که در علم سیاست مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند، متفاوت است. ضمن اینکه می‌تواند همراه و نتیجه این پدیده‌ها باشد. تروریسم همراه با خشونت است و سعی دارد از طریق ایجاد ارباب و ترس، به اهداف سیاسی خود دست یابد (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷). تروریسم در ادبیات سیاسی بسیاری از کشورها همواره به‌عنوان موضوع امنیتی مهمی مطرح بوده، اما پس از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به یکی از مهم‌ترین مسئله‌های امنیت در حوزه بین‌المللی تبدیل شده است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۱).

شورای امنیت سازمان ملل متحد تنها یک روز پس از حملات یازده سپتامبر در قطعنامه شماره ۱۳۶۹ تروریسم را به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانسته است. پس از این واقعه، شورای امنیت به‌صورت مستقیم به مواجهه با تروریسم و سیاست‌گذاری در راستای مبارزه جمعی بین‌المللی علیه تروریسم ورود پیدا کرد (قریبی، ۱۳۹۶). این روند به‌صورت مستمر و به‌تدریج تا سال ۲۰۱۵ سیر صعودی خود را طی کرد؛ به‌طوری‌که در این سال شورای امنیت در قطعنامه شماره ۲۲۴۹ خود، تروریسم و سازمان‌های تروریستی را «تهدید جهانی و بی‌سابقه نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی» به‌شمار می‌آورد (Security Council Resolution 2249, 20 November 2015). نگاهی به دستورکارهای ماهانه شورای امنیت از ماه‌های پایانی سال ۲۰۰۱ نشان می‌دهد که شورا از طریق قطعنامه‌های صادره، اصول و چارچوب اساسی مبارزه فردی و جمعی کشورها علیه تروریسم را ترسیم و سازوکارهای لازم برای اجرایی‌شدن آن را ایجاد کرده است.

سؤالی که این مقاله در پی پاسخ به آن است، عبارت از این است که مواجهه شورای امنیت سازمان ملل متحد با موضوع مقابله با تروریسم چگونه بوده و چه آثار و پیامدهای کارکردی دارد؟

بر اساس فرضیه نویسندگان مقاله، شورای امنیت به منظور مقابله با تروریسم و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از رهگذر قطعنامه‌های خود اقدام به ایجاد رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم کرده و مهم‌ترین ویژگی، اثر و پیامد کارکردی این رژیم، ارائه قواعد و تکالیف الزام‌آور برای کشورهاست.

الف. چارچوب نظری؛ رژیم‌های بین‌المللی

در این پژوهش، آنچه از طریق بررسی‌ها و مطالعات به دست می‌آید، شناخت مجموعه‌ای از قواعد، الزامات و رویه‌های اجرایی هستند که شورای امنیت سازمان ملل متحد از رهگذر قطعنامه‌ها، اقدامات و تصمیمات خود به منظور مقابله با تروریسم وضع کرده است. اما چگونه می‌توان این قواعد و رویه‌ها را از نظر علمی تبیین کرد و الگوی رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد را توضیح داد؟ به نظر نویسندگان این مقاله، مناسب‌ترین چارچوب نظری برای تبیین قواعد و مقررات مواجهه شورای امنیت با موضوع مقابله با تروریسم، نظریه رژیم‌های بین‌المللی است که توسط افرادی مانند اوران یانگ^۱ و استفن کراسنر^۲ تدوین و ارائه شده است. لذا به عنوان چارچوب نظری بحث، ابتدا به مطالعه و بررسی این نظریه می‌پردازیم.

رژیم بین‌المللی، مجموعه‌ای از اصول، قواعد صریح یا تلویحی، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری است که به واسطه آن، توقعات بازیگران بین‌المللی حول موضوع مشخصی با هم تلاقی پیدا کرده و خواسته‌های آن‌ها برآورده می‌شود (Krasner, 1983: 2). رژیم‌های بین‌المللی را باید ساختارهایی در نظر گرفت که بازیگران بین‌المللی برای برآورده کردن اهداف مشخص و معینی تأسیس می‌کنند. از این رو، رژیم‌های بین‌المللی به فعالیت‌های مرتبط با منافع اعضای نظام بین‌الملل تعلق دارند. اوران یانگ معتقد است که در تمام رژیم‌های بین‌المللی می‌توان «همگرایی رفتار بازیگران و انتظارات آن‌ها» حول موضوع مشخص و معینی را مشاهده کرد. ایجاد مقررات رفتاری گاهی اوقات موجب رشد همگرایی انتظارات بین بازیگران می‌شود (Krasner, 1983: 2). به عبارتی دیگر، هر اندازه رژیم بین‌المللی به سمت ایجاد مقررات

1. Oran R. Young

2. Stephen Krasner

رفتاری مشخص و منسجم حرکت کند، به همان میزان، همگرایی بین انتظارات اعضای آن و بروز عنصر «همکاری» برای تحقق اهداف رژیم بیشتر خواهد شد. نکته مهم این است که در رژیم بین‌المللی، میان «مقررات رفتاری» و «همگرایی انتظارات» پیوستگی وجود دارد و این باعث شکل‌گیری رفتارهای نهادینه‌شده و استانداردهای رفتاری^۱ می‌شود.

رژیم‌های بین‌المللی ساخته و پرداخته دست بشر هستند. این بدان معنی است که رژیم بین‌المللی خودبه‌خود به وجود نمی‌آید و از بین نمی‌رود، بلکه برای فهم ظهور و افول هر رژیم بین‌المللی، باید در پی جستجوی عواملی بود که بر این فرایند تاثیرگذارند. در این چارچوب، رژیم‌های بین‌المللی اغلب در پاسخ به مشکلات مربوط به زیست بین‌المللی کشورها ایجاد می‌شوند (Young, 1982: 277-297) و از این نظر، پیرامون اینکه رژیم‌های بین‌المللی، نهادهای^۲ نظام بین‌الملل هستند، توافق گسترده‌ای وجود دارد (Keohane, 1982: 325-355). سؤال مهمی که در ارتباط با ایجاد رژیم‌های بین‌المللی وجود دارد، این است که آیا همه مشکلات بین‌المللی موجود منجر به شکل‌گیری رژیم بین‌المللی برای حل و فصل آن‌ها می‌شود؟ پاسخ این سوال منفی است. اما چرا در رابطه با برخی از مشکلات فراملی و بین‌المللی کشورها موفق به ایجاد رژیم می‌شوند، اما در مورد برخی دیگر از مشکلات چنین موفقیتی حاصل نمی‌شود؟ پاسخ به این سؤال تا حدود بسیار زیادی به نوع نگاه نسبت به روابط بین‌الملل و مناسبات آن بازمی‌گردد. واقع‌گرایان عموماً بر نقش قدرت در شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی تأکید می‌کنند؛ در حالی که لیبرال‌ها بر تأثیر هماهنگی بین منافع بازیگران تمرکز دارند.

در مجموع، هم‌رأیی در مورد قواعد و اصول پرداختن به مشکل فراملی، تعاملات به‌هم‌پیوسته، تلاش برای کاهش عدم قطعیت در مناسبات و فعالیت‌های مرتبط با حل مشکل و کیفیت اتحادهای فراملی، مهم‌ترین عوامل توفیق در تأسیس رژیم‌های بین‌المللی هستند (Young, 2009). امروزه در عرصه بین‌المللی، رژیم‌های متنوعی را می‌توان شناسایی کرد که در حوزه‌های موضوعی متعددی ایجاد شده‌اند و می‌توان گفت که رژیم‌های بین‌المللی جزء جدایی‌ناپذیر نظام بین‌الملل کنونی هستند...

1. Behavioral Standards

2. Institutions

۱. اجزاء تشکیل‌دهنده رژیم‌های بین‌المللی

ویژگی برجسته رژیم‌های بین‌المللی، چندبخشی بودن آنهاست. رژیم بین‌المللی برای اینکه بتواند کارکردهای لازم را داشته باشد و به اهدافی که تشکیل‌دهندگان آن مقرر کرده‌اند، دست یابد، لاجرم باید از اجزای لازم برخوردار باشد. به اعتبار اینکه رژیم‌های بین‌المللی از یک سو، شامل مجموعه‌ای از اصول، رویه‌ها و قواعد هستند و از سوی دیگر، نهادها و ارگان‌هایی را برای عملی کردن مجموعه مقررات خود تشکیل داده‌اند، می‌توان آن‌ها را مشتمل بر دو جزء ماهوی و اداری-تشکیلاتی دانست.

۱-۱. جزء ماهوی رژیم‌های بین‌المللی

جزء ماهوی رژیم بین‌المللی، مجموعه اصول، قواعد و مقرراتی است که به آن شکل می‌دهد. این‌ها مجموعه قواعدی هستند که مشخص می‌کنند رژیم‌های بین‌المللی در چه سمت و سویی حرکت و چه هدف یا اهدافی را دنبال می‌کنند. جزء ماهوی رژیم‌های بین‌المللی را می‌توان به دو دسته اصول عمومی و اختصاصی تقسیم کرد. اصول عمومی، در میان تمام رژیم‌های بین‌المللی، مشترک هستند و اصول اختصاصی، از ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر رژیم بین‌المللی به‌شمار می‌آیند. هشت اصل عمومی که معمولاً بر رژیم‌های بین‌المللی حاکم هستند، عبارتند از (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۸):

حاکمیت ملی و برابری کشورها: یکی از اصول غیرقابل چشم‌پوشی نظام بین‌الملل، حاکمیت ملی و برابر کشورها است. اصل برابری حاکمیتی کشورها منبعت از نظمی است که در سال ۱۶۴۸ به موجب قراردادهای وستفالی ایجاد شده و تا امروز نیز ادامه دارد. اصل برابری کشورها و اصل حاکمیت ملی، دارای آثار و تبعاتی است که ایجاب می‌کند در شکل‌گیری و تکوین هر رژیم بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. این آثار عبارتند از حق حفظ تمامیت سرزمینی، حق استقلال سیاسی و حق برابری حقوقی.

تعیین سرنوشت ملت‌ها: یکی از اصول اساسی حاکم بر نظام بین‌الملل که بعد از استعمارزدایی حاصل شده، اصل تعیین سرنوشت ملت‌هاست. این اصل در سال ۱۹۶۰ به شکل قطعنامه شماره ۱۵۱۴ تحت عنوان «بیانیه اعطای استقلال به کشورها و مردم تحت استعمار»

توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد تأیید و تأکید قرار گرفت (General Assembly Resolution 1514, 14 December 1960).

عدم مداخله در امور داخلی و خارجی کشورها: این اصل یکی از اصول بنیادین نظام وستفالیایی است و بر اساس آن، هیچ کشور و نهاد بین‌المللی حق ندارد در امور داخلی و خارجی کشوری که دارای حاکمیت مستقلی است، دخالت کند. «دیرک پولکووسکی» از این اصل تحت عنوان یکی از اصول شکل‌گیری ترتیبات افقی بین‌المللی نام برده است (Pulkowski, 2014: 27). به عبارتی دیگر، اصل عدم‌مداخله در امور داخلی یکدیگر، یکی از پیش‌نیازهای اساسی شکل‌گیری روابط بین‌المللی و تأسیس رژیم‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است.

عدم توسل به زور: هیچ رژیم یا سازمان بین‌المللی وجود ندارد که توسل به زور را به‌عنوان روش تحقق اصول و اهداف خود پیش‌بینی کرده باشد؛ چون اصل عدم توسل به زور، یکی از قواعد آمره بین‌المللی محسوب می‌شود و به این اعتبار، بالاتر از همه قواعد معمولی بین‌المللی قرار داشته و بر آنها تسلط دارد. جنگ و توسل به زور، مسئله‌ای است که در حقوق بین‌الملل معاصر مورد توجه قرار گرفته و تحریم شده است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۴۸۴).

همکاری بین‌المللی: همکاری بین‌المللی یکی دیگر از اصول عمومی ماهوی همه رژیم‌های بین‌المللی است. بدون وجود عنصر همکاری، اصولاً شکل‌گیری رژیم در عرصه بین‌المللی متصور نیست. نقش رژیم‌ها، از همکاری تا هماهنگی در نوسان است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۴۱۶) و همکاری، حداقل عنصر لازم برای تشکیل رژیم‌های بین‌المللی به شمار می‌آید.

حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات: با گسترش و توسعه مقررات حقوق بین‌الملل، به تدریج و طی فرایندی تکاملی، اصل بر حل و فصل مسالمت‌آمیز کشورها قرار داده شده و از توسل به زور پرهیز می‌شود. در رژیم‌های بین‌المللی نیز اصل حل و فصل اختلافات به‌عنوان یکی از اصول عمومی جزء ماهوی مطرح می‌شود.

۲-۱. جزء اداری - تشکیلاتی رژیم‌های بین‌المللی

دومین بخش از رژیم‌های بین‌المللی، جزء اداری - تشکیلاتی آنهاست. برخوردار از رژیم از ساختار اداری و تشکیلاتی موجب نهادینه شدن آن می‌شود؛ تا جایی که گاهی از مفهوم

«نهادهای بین‌المللی» به‌جای رژیم‌های بین‌المللی نهادینه شده در ادبیات روابط بین‌الملل استفاده می‌شود (Martin and Simmons, 2012). جزء اداری- تشکیلاتی، در حقیقت سازمان اجرایی رژیم بین‌المللی است. این سازمان معمولاً از یک یا چند نهاد دائمی تشکیل شده و کارویژه‌های مشخصی را بر عهده دارد. جزء اداری- تشکیلاتی رژیم‌های بین‌المللی معمولاً از دو بخش مجزای «تصمیم‌گیری» و «اجرایی» تشکیل شده است.

بخش تصمیم‌گیری رژیم‌های بین‌المللی: در رژیم‌های بین‌المللی که در قالب سازمان بین‌المللی نهادینه شده‌اند، طبق اساسنامه، ارکان مشخصی وظیفه تصمیم‌گیری را بر عهده دارند. در رژیم‌های بین‌المللی مانند عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌عنوان رکن ساختاری، وظیفه تصمیم‌گیری را به عهده دارد. به‌طور کلی، جزء ساختاری رژیم‌های بین‌المللی، دربرگیرنده حوزه‌هایی است که ضرورت ساماندهی و مدیریت آنها توسط کارگزاران به رسمیت شناخته شده است.

بخش اجرایی رژیم‌های بین‌المللی: رژیم‌های بین‌المللی محصول توافقات میان دولت‌های مستقل ملی هستند. به همین دلیل است که رژیم‌ها را مجموعه‌ای از اصول و قواعد بین‌المللی می‌دانند که حول آن‌ها، انتظارات بازیگران همگرا می‌شود. اما مشاهده می‌شود که در این نهادهای قاعده‌محور «حتی از مقرراتی که صریحاً بر روی آن‌ها توافق حاصل شده، نیز تخطی صورت می‌گیرد» (قاسمی، ۱۳۸۴: ۲۳). بنابراین، وجود ساختاری برای اجرایی کردن اصول و قواعد رژیم‌ها، لازم و ضروری است. کارایی رژیم‌ها نیز بستگی تامی به ویژگی‌های عملکردی بخش اجرایی آنها دارد. بخش اجرایی، آخرین بخش از زنجیره اجزای رژیم‌هاست که اراده و تصمیم‌های اتخاذشده را اجرایی می‌کند. برای نمونه، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مسئولیت اجرایی شدن «اراده» رژیم عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای را بر عهده دارد.

۲. انواع رژیم‌های بین‌المللی

رژیم‌های بین‌المللی را می‌توان بر اساس موضوع تمرکز، میزان تمرکز بر موضوع و میزان ارائه خط‌مشی (نسل‌های چهارگانه که در ادامه توضیح داده می‌شوند)، تحمیلی یا مذاکره‌ای بودن و حوزه جغرافیایی دسته‌بندی کرد. این دسته‌بندی می‌تواند در شناخت و درک ماهیت هر رژیم بین‌المللی مفید باشد.

۱-۲. رژیم‌های بین‌المللی با کارکرد موضوعی خاص و عام

«گستره کارکردی» مهم‌ترین شاخص تشخیص رژیم‌های بین‌المللی بر اساس میزان تمرکز آنها بر موضوعی خاص است. به این اعتبار، رژیم‌های بین‌المللی را می‌توان به دو دسته «رژیم‌های بین‌المللی با کارکرد موضوعی خاص» و «رژیم‌های بین‌المللی با کارکرد موضوعی عام» تقسیم کرد. برای نمونه، سازمان ملل متحد، رژیم عام و نهادینه‌شده بین‌المللی با دستورکارهای متنوع است و رژیم عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای، رژیم با کارکرد موضوعی خاص محسوب می‌شود.

۲-۲. میزان ارائه خط‌مشی (نسل‌های چهارگانه رژیم‌های بین‌المللی)

بر اساس تحلیلی تاریخی از شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی و تحولی که به مرور زمان در کارکرد آنها ایجاد شده است، می‌توان چهار نسل از رژیم‌های بین‌المللی را با ویژگی‌های متمایز و منحصربه‌فرد شناسایی کرد. در ابتدای قرن نوزدهم که کنگره وین و کنسرت اروپا به‌عنوان رژیم‌های بین‌المللی اولیه شکل گرفتند، کارکردشان مربوط به مدیریت مناسبات بین قدرت‌های بزرگ می‌شد. اهداف اصلی این رژیم‌ها «وحدت تمامی دولت‌ها، تحت رهبری کشورهای بزرگ اروپایی، مشروعیت‌بخشی به پادشاهی، تنظیم امور مختلف اروپا و سرکوب مخالفینی بود که از انقلاب فرانسه الهام می‌گرفتند (حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۴۰). کنسرت اروپا را می‌توان نماینده نسل اول رژیم‌های بین‌المللی دانست که عنصر بارز آن «تنظیم رفتار کشورها برای مقابله با مخالفین نظام پادشاهی» است. با گسترش مناسبات بین کشورها و برجسته‌شدن روابط بین‌المللی، مفهوم کارکردی رژیم‌های بین‌المللی دچار تغییر و تحول شده و نسل دوم رژیم‌های بین‌المللی متولد شدند. در کنفرانس‌های صلح لاهه که در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ در شهر لاهه هلند برگزار شد، رژیم بین‌المللی تأسیس شد که بر روی تنظیم مناسبات بین کشورها و به عبارتی دقیق‌تر «تأثیر بر رفتار بین‌المللی آنها» متمرکز بود. ویژگی بارز کارکردی نسل دوم رژیم‌های بین‌المللی، «تأثیر بر رفتار کشورها» است.

نسل سوم رژیم‌های بین‌المللی با پایان جنگ جهانی اول متولد شدند و عنصر بارز آنها «تجویز رفتار» مشخصی در راستای شکل‌دهی به نظم بین‌المللی بود. جامعه ملل در نتیجه امضای عهدنامه ورسای بعد از جنگ جهانی اول، در سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ میلادی تأسیس شد. اما سازمان ملل متحد به‌عنوان فراگیرترین سازمان بین‌المللی، موجد شکل‌گیری نسل چهارمی از رژیم‌های بین‌المللی شده که «عنصر کنترل رفتار» را نیز در خود دارند. امروزه نهادهایی مانند

شورای امنیت ملل متحد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و گروه ویژه اقدام مالی (FATF) علاوه بر تنظیم، تجویز و تأثیرگذاری بر رفتار کشورها، به کنترل رفتار آنها نیز می‌پردازند و همواره در حال رصد رفتار کشورها و ارائه توصیه و تجویز هستند.

۲-۳. رژیم‌های فعال و منفعل

برخلاف تصور سنتی، امروز کنش‌گران نظام بین‌الملل تنها محدود به کشورها نبوده و کنش‌گرانی از جمله رژیم‌های بین‌المللی، مهم‌ترین بازیگران تأثیرگذار معادلات و مناسبات بین‌المللی به‌شمار می‌آیند (Haggard and Simmons, 1978). رژیم‌های منفعل، رژیم‌هایی هستند که حسب ماهیت خود تنها به مجموعه‌ای از اصول، قواعد و رویه‌ها محدود هستند. این‌گونه رژیم‌ها عموماً به نسل‌های اول تا سوم رژیم‌های بین‌المللی تعلق دارند. رژیم‌های ایجادشده در قالب کنوانسیون‌های سال‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ میلادی برای تنظیم روابط سیاسی و کنسولی کشورها، از این دسته رژیم‌ها هستند.

۲-۴. رژیم‌های بین‌المللی تحمیلی، مذاکره‌ای و خودجوش

تقسیم‌بندی رژیم‌های بین‌المللی به سه دسته تحمیلی، مذاکره‌ای و خودجوش را برای اولین بار اوران یانگ انجام داده است. یانگ بسته به نوع نظمی که ایجاد می‌شود، رژیم‌های شکل‌گرفته را از هم تفکیک کرده است. رژیم‌های بین‌المللی تحمیلی معمولاً از طرف یک یا چند قدرت بزرگ شکل‌گرفته و به تدریج بر سایر کشورها تحمیل می‌شوند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۲۶). رژیم‌های مذاکره‌ای، بر اساس اصل رضایت، رایزنی، مذاکره و چانه‌زنی بین طرف‌ها شکل می‌گیرند. رژیم‌های خودجوش به آن دسته از رژیم‌ها اطلاق می‌شود که در شرایط همگرایی منافع اعضا و فقدان موانع شکل‌گرفته و حیات بین‌المللی پیدا می‌کنند (Young, 1982).

۳. نقش رژیم‌های بین‌المللی در سیاست بین‌الملل

نقش رژیم‌های بین‌المللی در سیاست و امنیت بین‌الملل بستگی تامی به شرایط شکل‌گیری و بازیگران مؤسس آن‌ها دارد. بر مبنای متغیر میزان استقلال، می‌توان سه نقش را برای رژیم‌های بین‌المللی شناسایی کرد: ۱. نقش ابزاری رژیم‌های بین‌المللی؛ در این حالت، رژیم‌های

بین‌المللی به‌عنوان ابزاری برای تأمین منافع ملی اعضای آنها در نظر گرفته می‌شوند که به سه طریق می‌تواند مورد استفاده ابزاری قرار بگیرد: ابزاری برای نزاع با دیگر بازیگران قدرتمند و تأمین اهداف و منافع؛ ابزاری برای فشار بر کشورها؛ و ابزاری برای توجیه سیاست‌های جاه‌طلبانه. ۲. نقش تعدیل‌کننده رژیم‌های بین‌المللی؛ در این حالت، رژیم‌های بین‌المللی به‌عنوان عامل میانجی و تعدیل‌کننده مطرح می‌شوند. رژیم یا سازمان بین‌المللی در نقش میانجی، این امکان را فراهم می‌کند تا اعضاء بتوانند در مورد «موضوع مشخصی» به بحث و تبادل نظر بپردازند. ۳. نقش بازیگر مستقل؛ رژیم‌های بین‌المللی در این کسوت، بازیگر مستقل در صحنه بین‌المللی به‌شمار می‌آیند. در این حالت، تمام مراحل شامل طرح موضوع، تصمیم‌گیری و اجرا به‌صورت مستقل از نیروهای بیرونی و درونی صورت می‌پذیرند.

در ادامه تلاش می‌کنیم موضوع تروریسم و مقابله با آن در عرصه بین‌المللی را در چارچوب مباحث نظری فوق بررسی کنیم و اینکه اصولاً چگونه این موضوع به عرصه بین‌المللی ورود پیدا کرد و به‌تدریج و البته با سرعت نسبتاً بالا، به یکی از رژیم‌های فراگیر و الزام‌آور در حوزه موضوعات مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی بدل شد.

ب. شورای امنیت ملل متحد و مقابله با تروریسم

شورای امنیت سازمان ملل متحد در طول جنگ سرد ورود چندانی به موضوع تروریسم نداشت و اغلب فعالیت‌های مقابله با تروریسم سازمان ملل از طریق مجمع عمومی انجام می‌شد. از اوایل دهه ۱۹۹۰ و با گسترش اقدامات تروریستی که بعضاً با حمایت دولتی انجام می‌گرفت، رویه شورای امنیت نیز شروع به تغییر کرد. شورای امنیت در سال ۱۹۹۲ در پی بمب‌گذاری در دو خط هوایی و عدم همکاری طرابلس با فرایند تحقیقات در این زمینه، تحریم‌هایی را علیه لیبی اعمال کرد. شورای امنیت، سودان را به دلیل مشارکت در تلاش برای ترور حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر تحریم کرد. گروه طالبان نیز به خاطر پناه‌دادن به القاعده در سال ۱۹۹۹ با تحریم‌های شورای امنیت مواجه شد. تحریم‌ها علیه سودان و لیبی، وقتی دو کشور از اقدامات شورای امنیت پیروی کردند، به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ خاتمه پیدا کردند. تحریم‌های وضع‌شده علیه طالبان هرچند باعث مسدود شدن دارایی‌های مالی فراوانی شدند، اما نتوانستند تغییری در سیاست رژیم کابل ایجاد کنند.

تحریم‌های وضع‌شده علیه سودان و لیبی نشان دادند که تحریم‌ها حداقل در مواردی که زیان‌های اقتصادی و سیاسی زیادی در پی داشته باشند و دولت تحت تحریم، این را ناشی از حمایت خود از تروریسم بدانند، می‌توانند ابزار مؤثری برای مقابله با دولت حامی تروریسم باشند. علاوه بر این، اقدامات قهرآمیز شورای امنیت موجب تقویت مشروعیت‌زدایی از تروریسم دولتی شده و ممکن است سایر کشورها را از توسل به تروریسم به‌عنوان ابزار حکمرانی منصرف کند. از نظر آقای آینسیدل^۱، تهدیدهای ناشی از تروریسم دولتی امروزه قطعاً بسیار کمتر از دهه ۱۹۸۰ یا ۱۹۹۰ است (Einsiedel, 2016). تا سال ۲۰۰۱ که حملات ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد، ورود شورای امنیت به موضوع مقابله با تروریسم در قالب توصیه‌های کلی بود که این شورا طبق فصل ششم منشور ملل متحد ارائه می‌داد. اما بعد از حملات مذکور، موضوع تروریسم به‌صورت دستورکار جدی در شورای امنیت مورد توجه قرار گرفت. شورای امنیت در قطعنامه ۱۳۶۸ (۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱) حملات تروریستی را به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی شناسایی کرد و در چارچوب وظایف و اختیارات خود دو روش را برای مقابله با تروریسم و حملات تروریستی پیش‌بینی کرد.

شیوه اول، در قالب حرکات جمعی یا فردی کشورها و در چارچوب «حق دفاع مشروع» است که در حقوق بین‌الملل شناخته شده و در ماده ۵۱ منشور ملل متحد مورد اشاره قرار گرفته است (Security Council Resolution 1368, 12 Sep 2001). همچنین، شناسایی حق کشورها برای مقابله جمعی یا فردی با پدیده تروریسم، چراغ سبزی برای تشکیل ترتیبات منطقه‌ای یا بین‌المللی مقابله با تروریسم با مشارکت کشورهاست. شیوه دوم، در چارچوب صلاحیت قاعده‌گذاری شورای امنیت پیگیری شده و تأسیس «رژیم ضدتروریسم شورای امنیت» اصلی‌ترین و مهم‌ترین خروجی آن است. شورای امنیت در بند سوم قطعنامه ۱۳۶۸ از همه کشورها می‌خواهد تا فوراً برای پیگیری و محاکمه عاملان حملات تروریستی (یازدهم سپتامبر) با یکدیگر همکاری کنند. هرچند شورا در این بند اشاره به چارچوب و قاعده خاصی برای همکاری کشورها نمی‌کند، اما در بند چهارم از جامعه بین‌المللی می‌خواهد تا اقدامات خود را در راستای مقابله با تروریسم با پیوستن به کنوانسیون‌ها و عمل به قطعنامه‌های مرتبط

این نهاد^۱ مضاعف کنند. به این ترتیب، در این شیوه، شورای امنیت رأساً اقدام به تعیین سازوکاری برای مقابله با تروریسم کرد. قطعنامه ۱۳۷۳ و دیگر قطعنامه‌های مرتبط در همین چارچوب صادر شده‌اند و به تدریج، رژیم چندوجهی و گسترده‌ای در زمینه مقابله با تروریسم را بنا نهاده‌اند. به طور کلی، قطعنامه ۱۳۷۳ نقطه عطف مهمی در زمینه رویکرد شورای امنیت نسبت به پدیده تروریسم از منظر وضع الزامات جدید ذیل فصل هفتم منشور است که در مورد آن بیشتر صحبت می‌کنیم.

۱. رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت

در پاراگراف ششم قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت تصمیم خود را برای ایجاد کمیته‌ای متشکل از تمام اعضا برای رصد اقداماتی که کشورها در راستای اجرای مفاد قطعنامه انجام می‌دهند، اعلام کرده است؛ که کارکرد و تکوین این کمیته در ادامه و در قسمت بررسی جزء اداری و تشکیلاتی رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت تشریح می‌شود. همچنین، از همه دولت‌ها می‌خواهد گزارش‌های خود را در مورد اقداماتی که در راستای مقابله با تروریسم انجام داده‌اند در بازه زمانی ۹۰ روزه و بازه‌هایی که کمیته مشخص خواهد کرد، ارائه دهند. قطعنامه ۱۳۷۳ و کمیته ضدتروریسم را می‌توان مهم‌ترین مبنای تشکیل‌دهنده جزء ماهوی و ساختاری رژیم ضدتروریسم شورای امنیت به شمار آورد. هرچند در قطعنامه‌های بعدی شورای امنیت، وظایف و کارویژه‌هایی بر عهده رژیم ضدتروریسم شورای امنیت گذاشته شده^۲، اما در ماهیت و ساختار اولیه مربوطه تغییری ایجاد نشده است.

۱-۱. اصول اختصاصی جزء ماهوی رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت

علاوه بر اصول عمومی حاکم بر بخش ماهوی رژیم‌های بین‌المللی، بخش ماهوی رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت از یک سری اصول اختصاصی نیز برخوردار است. اصول ماهوی حاکم بر رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد را می‌توان از قطعنامه‌هایی

۱. مانند قطعنامه شماره ۱۲۶۹ شورای امنیت که در ۱۹ اکتبر ۱۹۹۹ صادر شده است.

۲. مانند تشکیل CTED یا مدیریت اجرایی مقابله با تروریسم برای رصد اقداماتی که کشورها در راستای اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ انجام می‌دهند.

که این شورا صادر کرده و به‌صورت اصولی برای تمامی کشورهای عضو و غیرعضو سازمان ملل متحد الزام‌آور هستند، استخراج کرد. در این زمینه، قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت از نقش محوری برخوردار بوده و چارچوبی را برای مقابله با تروریسم و افراد و گروه‌های تروریستی ترسیم کرده است. در قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت مجموعه‌ای از اصول و قواعد را برای مقابله جمعی کشورها علیه تروریسم و گروه‌های تروریستی ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد مشخص کرده است. همچنین، به تأسیس کمیته مقابله با تروریسم برای نظارت بر اقداماتی که دولت‌ها در راستای اجرای الزامات شورا انجام می‌دهند، اقدام کرده است. علاوه بر آن، شورا در قطعنامه‌های متعدد از جمله در قطعنامه‌های شماره ۲۱۷۸ و ۲۳۲۲ که به ترتیب در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴ و ۱۲ دسامبر ۲۰۱۶ صادر کرده، اصول و چارچوب رژیم ضدتروریستی خود را تکمیل کرده است. این اصول شامل پرداختن به تعریف تروریسم، پدیده جنگجویان تروریست خارجی و مجموعه قواعد و مقرراتی است که الزام‌آور بوده و چارچوب همکاری جمعی بین‌المللی برای مقابله با تروریسم را ایجاد کرده‌اند.

در مجموع، پنج اصل کلی، جزء ماهوی رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم شورای امنیت را شکل می‌دهند. اصل اول «وجود اختلاف در تعریف تروریسم» است. این اصل بیان‌گر وجود اختلاف‌نظر در ارائه تعریف جامعی از تروریسم به‌رغم بحث‌های طولانی‌مدت در این رابطه است. قرارداد اقدامات دولت‌ها ذیل عنوان تروریسم و به رسمیت‌شناختن حق ملل تحت اشغال برای مقاومت توأم با خشونت مهم‌ترین دلایل وجود اختلاف‌نظر در دستیابی به تعریفی مورد اجماع از تروریسم هستند. اصل دوم به الزام دولت‌ها به همکاری و معاضدت با یکدیگر در راستای سرکوب تروریسم مربوط می‌شود. در چارچوب رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم، کشورها ملزم به همکاری و مشارکت جمعی به منظور مبارزه با تروریسم هستند. هرچند این همکاری ابعاد متعدد سیاسی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و... دارد، اما مهم‌ترین نقطه تمرکز آن جلوگیری از تأمین مالی تروریسم است. در این چارچوب، شورای امنیت سازمان ملل متحد کشورها را از پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم از تروریسم منع کرده است. شورا تلاش کرده تا اولاً، کشورها را ملزم به ایجاد سازوکارهای مناسب برای مبارزه با تروریسم کند و ثانیاً، از قطع حمایت برخی از دولت‌ها از مصادیق بین‌المللی گروه‌های تروریستی جلوگیری کند. در قالب اصل چهارم، این الزام برای

دولت‌ها ایجاد شده که نسبت به اجرای تحریم‌های شورای امنیت علیه گروه‌های تروریستی که لیست آن‌ها توسط این نهاد تهیه و به‌روزرسانی می‌شود، متعهد باشند. اصل پنجم به دنبال ایجاد سازوکار قضایی داخلی برای دولت‌ها برای تعقیب و مجازات کیفری افراد و گروه‌های تروریستی است؛ تا فعالیت‌های تروریستی، پیگیری و تعقیب مناسب را در پی داشته باشد.

۱-۱-۱. اختلاف در تعریف از تروریسم

اصولاً تروریسم در سطح بین‌المللی مفهوم مبهمی به‌شمار می‌آید. حتی با وجود اینکه در غالب موارد، اقدامات تروریستی منجر به مرگ انسان‌های بی‌گناه و تخریب زیرساخت‌ها و امکانات می‌شود، تدوین‌کنندگان اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، تروریسم را در ذیل جرائم چهارگانه تحت صلاحیت این دادگاه قرار نداده‌اند (عالی‌پور، ۱۳۸۵). بیشترین مباحثی که در قالب ملل متحد در زمینه تعریف تروریسم صورت گرفته، در چارچوب مذاکرات قطعنامه جامع مقابله با تروریسم^۱ بوده که مذاکرات آن با گذشت دو دهه و تداوم بحث‌های سالانه، همچنان متوقف مانده است. دو موضوع اصلی همواره مانع بوده که البته این دو موضوع عمدتاً با در نظر گرفتن موضوع اختلافی فلسطین، با هم مرتبط هستند: اول، اینکه اقدامات دولت‌ها به‌عنوان تروریسم شناخته شود و دوم، اینکه آیا ملل تحت اشغال باید حق مقاومت همراه با استفاده از خشونت داشته باشند یا خیر. این مهم‌ترین مبنای اختلافی بوده که ضمناً تأثیر زیادی بر شکل‌گیری اراده جمعی ملل متحد در مبارزه با تروریسم داشته است. به‌رغم اینکه تلاش شورای امنیت برای شکل‌دهی به رژیم جمعی بین‌المللی برای مقابله با تروریسم به سال ۲۰۰۱ و پس از حملات یازدهم سپتامبر ایالات متحده بازمی‌گردد و ورود عمده مجمع عمومی ملل متحد به سال ۱۹۷۲ مربوط می‌شود، تعریف تروریسم هنوز درگیر اختلافاتی است که بیش از ربع قرن مذاکرات پیش‌نویس کنوانسیون جامع مقابله با تروریسم را بی‌نتیجه کرده است.

شورای امنیت در قطعنامه ۱۳۷۳ تعریف جامعی از «تأمین مالی تروریسم» ارائه می‌دهد؛ تعریفی که دو سال قبل از آن در مجمع عمومی ملل متحد و ذیل کنوانسیون منع تأمین مالی تروریسم مورد اجماع قرار گرفته بود. اعضای شورا با اطلاع از اختلافاتی که در مورد تعریف

1. Comprehensive Convention on International Terrorism

تروریسم وجود داشت، به حوزه تعریف تروریسم ورود نکرده بودند. البته اعضای ملل متحد در کنوانسیون مقابله با بمب‌گذاری تروریستی سال ۱۹۹۷ به تعریفی رسیده بودند. این تعریف در قالب بمب‌گذاری تروریستی است، ولی عناصر اصلی تعریف تروریسم را با خود دارد (International Convention for Suppression of Terrorist Bombings, 12 Jan 1998). با برجسته‌شدن ضرورت ارائه تعریفی از تروریسم و مبنا قرار دادن آن در فعالیت‌های رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت «سرانجام در بند سوم قطعنامه ۱۵۶۶ مصوب ۸ اکتبر ۲۰۰۴ شورای امنیت برای اولین بار تعریفی صریح از تروریسم ارائه می‌دهد که خیلی به مفهوم ارائه‌شده در پیش‌نویس کنوانسیون جامع منع تروریسم نزدیک است» (کدخدایی، ۱۳۹۰).

در بند سوم قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت گفته شده است: «اقدامات مجرمانه به شمول اقدامات علیه شهروندان به قصد مرگ یا آسیب‌رسانی شدید بدنی آن‌ها، گروگان‌گیری با هدف دامن‌زدن به ترور علیه عموم، گروهی از افراد یا افرادی خاص، ایجاد رعب همگانی یا وادار کردن دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام اقدامی که در دایره جرائم پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مرتبط با تروریسم قرار می‌گیرد، تحت هیچ شرایط سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیکی، نژادی، اخلاقی، مذهبی یا دیگر شرایط مشابه توجیه‌پذیر نیست. همه کشورها برای ممانعت و ایجاد اطمینان نسبت به اینکه چنین اقداماتی با تنبیهاتی یا مجازات روبرو خواهند شد، فراخوانده می‌شوند» (Security Council Resolution 1566, 8 Oct 2004). البته این تعریف به صورت خلاصه و کلی است و شاید بتوان گفت که بیشتر تعریفی کلاسیک شامل عناصر اصلی تروریسم است و در مورد جزئیات، به کنوانسیون‌های مصوب در زمینه تروریسم ارجاع می‌دهد. هرچند اختلاف در تعریف قابل انکار نیست، آنچه در این مورد بیشتر مایه اختلاف نظر بین دولت‌هاست، تعیین مصادیق است که تحت شرایط جاری قابل استانداردسازی نیست (قربیبی، ۱۳۹۸).

۱-۲-۱. الزام به همکاری برای سرکوب تروریسم

الزام دولت‌های عضو سازمان ملل متحد برای همکاری با یکدیگر برای سرکوب تروریسم، یکی دیگر از اصول جزء ماهوی رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت است. این همکاری در حوزه‌های مختلف اطلاعاتی، تأمین مالی، سیاسی و نظامی و سطوح متنوع پیش‌بینی شده است. همکاری

دولت‌ها با یکدیگر به‌ویژه در زمینه اطلاعاتی، یکی از رویکردهای نوین در مبارزه با تروریسم است که ناظر بر پیشگیری از شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی است (پورسعید، ۱۳۹۶). الزام به همکاری در قالب تعهد در قطعنامه‌های متعدد شورا از جمله قطعنامه ۱۳۷۳ مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. به‌طور کلی، الزامات رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم ملل متحد دارای سه ستون اصلی شامل «منع تأمین سلاح»، «منع اجازه تردد و سفر» و «منع تأمین مالی تروریسم و انسداد اموال گروه‌ها و افراد تروریست» است. چون هم در تأمین سلاح و هم تهیه مقدمات سفر و جابجایی، عامل تأمین مالی نقش بسیار مهمی دارد، شورای امنیت توجه خاصی به این مقوله داشته و بخش اعظم قطعنامه کلیدی ۱۳۷۳ به موضوع تأمین مالی تروریسم اختصاص دارد. به همین نسبت، همکاری بین کشورها برای مقابله با تأمین مالی تروریسم، بالاترین و جدی‌ترین الزام شورای امنیت برای همه دولت‌ها ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد است.

بخش اصلی رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم که مدنظر نویسندگان این مقاله است و همچنین، رویه شورای امنیت و نهادهایی مانند گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، سازمان‌های منطقه‌ای و ابتکارهای فرامنطقه‌ای مقابله با تروریسم، ذیل همین موضوع قرار می‌گیرد. الزام به همکاری برای سرکوب تروریسم هم عمدتاً ذیل همین موضوع تأمین مالی تروریسم قرار می‌گیرد. از یک سو، گروه ویژه اقدام مالی، استانداردهای دقیقی برای نحوه مقابله با تأمین مالی تروریسم وضع کرده و به‌صورت مستمر این استانداردها و تفاسیر آن‌ها را روزآمد می‌کند و از سوی دیگر، شورای امنیت در قطعنامه‌های خود از این اقدامات حمایت می‌کند. برجسته‌ترین و جدیدترین قطعنامه شورای امنیت که به‌صورت خاص، گروه ویژه اقدام مالی و کارکردهای آن را مورد توجه قرار داده و به دنبال الزام دولت‌ها به رعایت آنهاست، قطعنامه ۲۴۶۲ مصوب مارس ۲۰۱۹ است که به‌صورت متمرکز شورا را پشتیبان الزامات گروه ویژه اقدام مالی قرار می‌دهد (Security Council Resolution 2462, 28 March 2019). در چارچوب منع تأمین مالی تروریسم، دولت‌ها موظف شده‌اند تا «جمع‌آوری و کمک مالی برای مساعدت تروریسم» را جرم‌انگاری کرده، از «کمک مالی به تروریسم توسط اتباع، افراد و مجموعه‌های تحت حاکمیت خود» ممانعت به عمل آورده و دارایی تروریست‌ها و حامیان آن‌ها را مسدود کنند. همچنین، کشورهای عضو سازمان ملل متحد متعهد شده‌اند از ارائه خدمات به افراد و نهادهای درگیر فعالیت‌های تروریستی خودداری کنند (Security Council Resolution 1373, 28 Sep 2001).

مقابله با تأمین مالی تروریسم، جایگاه برجسته‌ای در اصول و قواعد رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد دارد؛ تا جایی که شورا در قطعنامه‌های متعدد خود به آن اشاره کرده و وظایف و تکالیف اعضا را در رابطه با آن مورد تأکید قرار داده است. بحث «مقابله با تأمین مالی تروریسم» به اندازه‌ای دارای اهمیت است که علاوه بر شورای امنیت، مجمع عمومی سازمان ملل متحد هم در سند راهبرد جامع مقابله با تروریسم ملل متحد، جلوگیری از تأمین مالی تروریسم را در صدر اقدامات لازم قرار داده است.^۱ مجمع عمومی همچنین در کنوانسیون که در سال ۱۹۹۹ نهایی کرد و در حال حاضر ۱۸۹ عضو دارد، تأمین مالی تروریسم را مدنظر قرار داده و این کنوانسیون، مهم‌ترین ابزار حقوقی بین‌المللی برای همکاری بین دولت‌ها در مقابله با تأمین مالی تروریسم است (Convention for the Suppression the Financing of Terrorism, 15 Dec 1997). قطعنامه ۱۳۷۳ و متن کنوانسیون فوق، منبع اصلی وضع استانداردهای گروه ویژه اقدام مالی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم هستند.

۱-۳-۱. منع پشتیبانی از تروریسم

رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت از کشورها خواسته تا از پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم تروریسم خودداری کنند. بدیهی است که در عرصه روابط بین‌الملل «جدای از اشخاص حقیقی و حقوقی تأمین‌کننده مالی گروه‌های تروریستی، دولت‌ها نیز فی‌نفسه در جایی که منافع‌شان ایجاب می‌کند، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از تروریسم و گروه‌های تروریستی حمایت می‌کنند» (نظری و زوارجلالی، ۱۳۹۶). اصولاً هم با توجه به وجود کنش‌گران متعدد در روابط بین‌الملل و پیچیدگی‌های کنش‌گری در این عرصه، حمایت دولت‌ها از تروریسم به روش‌های مختلف در عرصه‌های غیرعلنی و بعضاً غیرقابل انتساب انجام می‌شود. بنابراین، شورای امنیت در چارچوب فعالیت‌های مقابله با تروریسم خود به دنبال رعایت الزامات در برخورد با «مصادیق تروریسم» از نظر شورا و نیز حصول اطمینان از وجود بسترهای قانونی و اجرایی برای مقابله با تروریسم در کشورها در سطح گسترده‌تری است. تردیدی نیست که شورای امنیت و نظام ملل متحد در جایگاه ابردولت نیست که همه دولت‌ها را وادار به انجام یا خودداری از انجام کاری کند. البته شورای امنیت ظرفیت‌هایی در قالب منشور ملل

1. United Nations Global Counter Terrorism Strategy, 2006

متحد دارد که می‌تواند از آن‌ها و با کمک ظرفیت‌های اعضاء خود به‌ویژه توانمندی‌های اعضای دائم شورای امنیت برای پیشبرد سیاست‌های خود استفاده کند.

به همین دلیل و با توجه به تهدید تروریسم برای صلح و امنیت بین‌المللی و نیز قبح تروریسم در ایجاد درد و رنج برای قربانیان و سلب امنیت مردم، تقریباً هیچ دولتی نیست که حداقل در سیاست‌های اعلامی، خود را ملزم به رعایت الزامات مقابله با تروریسم نداند و ادعای حمایت از تروریسم داشته باشد.

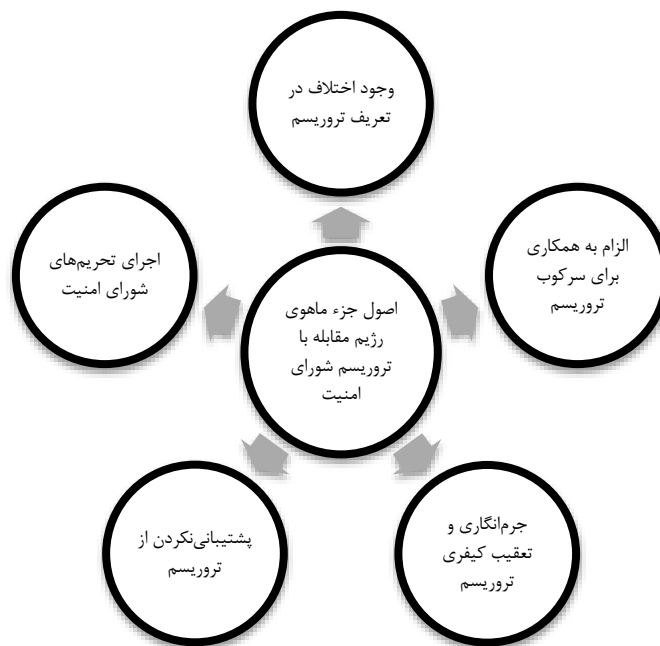
۱-۱-۴. اجرای تحریم‌های شورای امنیت

با توجه به گستردگی کاربرد مفهوم تروریسم در عرصه‌های سیاسی و امنیتی دولت‌ها، در تشخیص و اجرای الزامات مربوط به تروریسم میان دولت‌ها اختلاف نظر زیادی وجود دارد. از نیروهای آزادی‌بخش و ضد اشغال خارجی گرفته تا نیروهای شورشی و جدایی طلب، معمولاً دولت‌های طرف این جریان‌ها به منظور توجیه مقابله خود با آنها و سلب مشروعیت از فعالیت‌های آنها ترجیح می‌دهند که به مخالفین خود برچسب تروریستی زده و در قالب مقابله با تروریسم، با آنها برخورد کنند. البته این به معنای عدم برخورد دولت‌ها با گروه‌هایی که واقعاً وصف تروریستی دارند، نیست. منظور این واقعیت است که در حوزه تشخیص مصادیق، اختلاف دیدگاه‌ها گسترده است. برای ایجاد رویه‌ای واحد که مدنظر ملل متحد و جامعه بین‌المللی باشد، شورای امنیت از سال ۱۹۹۹ ابتدا گروه طالبان و برخی افراد وابسته به این گروه و سپس از سال ۲۰۰۱ گروه القاعده و افراد وابسته و نهایتاً از سال ۲۰۱۴ گروه داعش و وابستگان را در فهرست تروریستی شورای امنیت موسوم به فهرست قطعنامه ۱۲۶۷ قرار داد.^۱ آنچه در قالب رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و مطالبه شورای امنیت است، شامل افراد و گروه‌های مندرج در این فهرست می‌شود که به صورت ماهانه روزآمد شده و در دسترس عموم قرار می‌گیرد. دولت‌ها این الزام را دارند که ضمن فراهم کردن بستر لازم حقوقی و اجرایی، مستمراً در مورد اجرای تحریم‌های شورای امنیت در مورد این فهرست اقدام کرده و فعالیت‌های خود را به شورا گزارش کنند (قریبی، ۱۳۹۸).

۱. به تدریج این فهرست شامل گروه‌های وابسته به این سه دسته اصلی هم شد؛ کما اینکه گروه‌هایی همچون الشباب، بوکو حرام، خراسان، النصره و سایرین در زمره این فهرست قرار دارند.

۵-۱-۱. جرم‌انگاری و تعقیب کیفری تروریسم

رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد کشورها را ملزم کرده تا ضمن جرم‌انگاری تروریسم و تأمین مالی آن در نظام داخلی خود، ظرفیت تعقیب کیفری این جرائم را نیز ایجاد کنند. در این چارچوب، کشورها ملزم و متعهد شده‌اند در قوانین و مقررات داخلی خود قوانین، سازوکارها و رویه‌هایی را برای تعقیب، محاکمه و مجازات تروریست‌ها تدوین کنند. علاوه بر مسئولیت دولت‌ها، در ارائه گزارش‌های ادواری به شورای امنیت در مورد جرم‌انگاری و تأمین مالی تروریسم، گروه ویژه اقدام مالی (FATF) به صورت خاص تکالیف ویژه و شدیدی را بر همه دولت‌هایی که با این نهاد تعامل دارند، اعمال می‌کند. چندین توصیه از توصیه‌های چهل‌گانه این نهاد به موضوع الزام دولت‌ها به برخورد با تأمین مالی تروریسم و نحوه اجرای قطعنامه ۱۲۶۷ شورای امنیت در مورد مصادیق تروریسم شورای امنیت اختصاص دارد و همه دولت‌ها به صورت دوره‌ای در این نهاد مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.



نمودار ۱. اصول جزء ماهوی رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت

۲. جزء اداری - تشکیلاتی رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت

جزء اداری و تشکیلاتی رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت از دو رکن «کمیته ضدتروریسم» و «مدیریت اجرایی» دبیرخانه تشکیل شده است. تا سال ۲۰۱۸ بیش از بیست قطعنامه شورای امنیت به این دو نهاد اشاره مستقیم داشته و چارچوب وظایف و فعالیت‌های آنها را مشخص کرده‌اند. اکثریت این قطعنامه‌ها مربوط به دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ هستند که فعالیت‌های تروریستی رشد و گسترش بی‌سابقه‌ای داشته‌اند (CTED Factsheet, June 2018).

۲-۱. کمیته مقابله با تروریسم شورای امنیت^۱

شورای امنیت به منظور اجرایی کردن اصول جزء ماهوی خود، اقدام به تأسیس نهادی تحت عنوان «کمیته ضدتروریسم» کرده است. این کمیته به موجب قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت ایجاد شده است. شورای امنیت بر اساس ماده ۲۸ آیین کار داخلی خود، تصمیم گرفته تا کمیته‌ای را متشکل از تمام اعضای شورا تشکیل دهد تا بر اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ نظارت کند و از تمام کشورها خواسته است که حداکثر تا ۹۰ روز پس از تصویب این قطعنامه، بر اساس جدول زمانی که کمیته پیشنهاد خواهد کرد، در مورد اقداماتی که در راستای اجرای این قطعنامه انجام داده‌اند، به کمیته گزارش دهند.^۲ در این قطعنامه، همچنین شورای امنیت، کمیته ضدتروریسم را موظف کرده تا مأموریت و برنامه کاری خود را ظرف ۳۰ روز از تصویب قطعنامه ۱۳۷۳ تهیه کند. کمیته مقابله با تروریسم شورای امنیت بر اساس ماده ۲۹ منشور ملل متحد که می‌گوید «شورای امنیت می‌تواند ارکان فرعی را که برای انجام وظایف خود لازم بدانند، تأسیس کند» ایجاد شده است. کمیته مقابله با تروریسم شورای امنیت دارای ۱۰ کارشناس است که هشت نفر از آنها وظیفه بررسی گزارش‌هایی که دولت‌ها در مورد اقدامات ضدتروریستی خود ارائه می‌دهند، را بر عهده دارند (Eric, 2003).

مدیریت اجرایی کمیته مقابله با تروریسم، دفتر ارزیابی و مساعدت فنی و دفتر امور اداری و اطلاعات، سه زیرکمیته‌ای هستند که ذیل کمیته مقابله با تروریسم شورای امنیت وظیفه بررسی

1. Counter Terrorism Committee (CTC)

۲. قطعنامه شماره ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد

اقدامات کشورها را بر عهده دارند. گزارش اعضا ابتدا در هر یک از این سه زیرکمیته بررسی می‌شود و سپس در کمیته مقابله با تروریسم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (رنجکش و پورجواد، ۱۳۹۶). دستورکار کمیته ضد تروریسم شورای امنیت در قطعنامه‌های شماره ۱۳۷۷ سال ۲۰۰۱ و ۱۴۵۶ سال ۲۰۰۳ بیان شده است که به شرح زیر است:

۱. ارتقاء بهترین رویه‌های اجرایی در حوزه‌هایی که توسط قطعنامه ۱۳۷۳ پوشش داده شده

است؛

۲. ارائه مساعدت فنی در زمینه اجرای مفاد قطعنامه ۱۳۷۳؛

۳. دریافت و بررسی گزارش کشورها در مورد اجرای اقدامات ضد تروریستی؛

۴. رصد اقداماتی که اعضا در راستای اجرای مفاد قطعنامه ۱۳۷۳ انجام می‌دهند.

در کنار قطعنامه ۱۳۷۳ کمیته ضد تروریسم وظیفه رصد اجرای مفاد قطعنامه ۱۶۲۴ را نیز بر عهده دارد. این قطعنامه از کشورها می‌خواهد اقدامات لازم را برای جلوگیری از اینکه قلمرو تحت حاکمیت‌شان به پناهگاه تروریست‌ها تبدیل شود، انجام دهند. یکی دیگر از وظایفی که برای کمیته ضد تروریسم در قالب قطعنامه ۲۱۷۸ سال ۲۰۱۴ تعریف شده، شناسایی و رفع شکاف‌ها و موانعی است که بر سر راه مقابله کشورها علیه پدیده نقل و انتقال و جابجایی جنگجویان تروریست خارجی^۱ وجود دارد. جنگجویان خارجی افرادی هستند که به خارج از دولت محل اقامت یا تابعیت خود سفر کرده و در برنامه‌ریزی، آماده‌سازی و اجرای فعالیت تروریستی مشارکت کرده یا فعالیت‌های آموزشی در این مورد انجام می‌دهند. در سال ۲۰۱۵ تعداد این افراد به‌ویژه در عراق و سوریه تا چهل هزار نفر تخمین زده می‌شد که تهدید جدی برای صلح و امنیت منطقه و نیز کشور محل اقامت یا تابعیت، کشور محل عبور و کشور محل فعالیت محسوب می‌شوند.^۲ دستورالعمل‌های متعددی برای برخورد با این افراد وجود دارد و پذیرش مجدد افراد بازداشت‌شده و خانواده‌های آنان همواره یکی از موضوعات مورد اختلاف دولت‌ها بوده است.

1. Foreign Terrorist Fighters, FTFs

۲. برای دریافت اطلاعات بیشتر راجع به نحوه برخورد ملل متحد با این پدیده لطفاً رجوع شود به وبسایت زیر مراجعه شود: http://www.unicri.it/topics/counter_terrorism/foreign_fighters

۲-۲. مدیریت اجرایی کمیته ضدتروریسم^۱

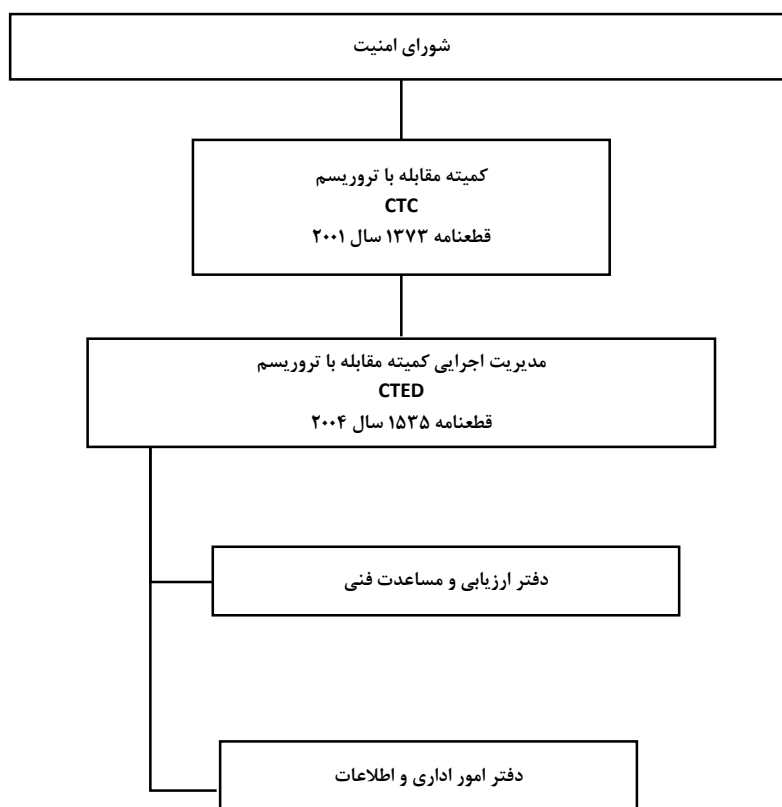
این رکن بر مبنای تصمیمی که شورای امنیت به موجب قطعنامه ۱۵۳۵ خود در سال ۲۰۰۴ اتخاذ کرد، تشکیل شد. در این قطعنامه، شورای امنیت هدف از تشکیل این نهاد را افزایش توان رصد وضعیت اجرای مقررات قطعنامه ۱۳۷۳ توسط کمیته ضدتروریسم و ظرفیت‌سازی برای همکاری‌های لازم در راستای اهداف قطعنامه اعلام کرده است (Security Council Resolution 1535, 26 March 2004). دستورکار این نهاد، آخرین بار در سال ۲۰۱۷ به موجب قطعنامه ۲۳۹۵ بازبینی و نهایی شده است. مدیریت اجرایی کمیته مقابله با تروریسم، بازدیدهایی را از طریق کمیته مقابله با تروریسم به منظور ارزیابی تلاش‌ها و اقدامات کشورها، کاهش نقاط ضعف و مساعدت فنی مورد نیاز به عمل می‌آورد. در تیم بازدیدکننده مدیریت اجرایی کمیته ضدتروریسم، کارشناسانی از سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای شامل اتحادیه آفریقا، اتحادیه اروپا، گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، اینترپل، سازمان بین‌المللی مهاجرت و سایرین بنا به ضرورت شرکت می‌کنند. تا ژوئن ۲۰۱۸ کمیته ضدتروریسم شورای امنیت تعداد ۱۴۰ بازدید از حدود ۱۰۰ کشور عضو انجام داده است (CTED Factsheet, June 2019). می‌توان گفت اصلی‌ترین کارویژه‌ای که مدیریت اجرایی کمیته ضدتروریسم برای آن تأسیس شده، مساعدت و مشورت تخصصی کمیته مقابله با تروریسم به‌ویژه شورای عمومی و رئیس آن در کمک به رصد اقداماتی است که کشورها در اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ انجام می‌دهند. مهم‌ترین قسمت‌های مدیریت اجرایی کمیته ضدتروریسم به شرح زیر است:

الف. دفتر ارزیابی و مساعدت فنی^۲: در این اداره ۲۰ کارشناس مشغول فعالیت هستند که توسط مدیر اجرایی سازمان‌دهی می‌شوند. اعضای این اداره در غالب حوزه‌های تحت پوشش قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت، پیوست قطعنامه‌های ۱۳۷۷ و ۱۴۵۶ و دیگر مسائل مرتبط با مبارزه علیه تروریسم صاحب تخصص و تجربه هستند. این اداره، وظیفه ارزیابی اقدامات صورت‌گرفته در مبارزه علیه تروریسم و مساعدت فنی به کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را بر عهده دارد.

1. Counter-Terrorism Committee Executive Directorate (CTED)

2. Assessment and Technical Assistance Office

ب. دفتر امور اداری و اطلاعات^۱: اصلی ترین وظیفه دفتر امور اداری و اطلاعات، پشتیبانی از مدیریت اجرایی، دفتر ارزیابی و مساعدت فنی و کمیته ضدتروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد است. به طور کلی، دفتر امور اداری و اطلاعات، موضوعاتی مانند ثبت و بایگانی اسناد و جمع آوری و دسته بندی اطلاعات مرتبط با فعالیت های کمیته ضدتروریسم را در دستورکار خود دارد. علاوه بر این دو دفتر، مدیریت اجرایی کمیته ضدتروریسم به تناسب شرایط، دفاتر موقتی را نیز برای مدت زمان مشخص دایر می کند.



نمودار ۲. جزء ساختاری رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت

نتیجه گیری

رژیم بین‌المللی، مجموعه‌ای از اصول، قواعد صریح یا تلویحی، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری است که به واسطه آن، توقعات بازیگران بین‌المللی حول موضوع مشخصی تلافی کرده و خواسته‌های آنها برآورده می‌شود. رژیم‌های بین‌المللی را باید ساختارهایی در نظر گرفت که بازیگران بین‌المللی برای برآورده کردن اهداف مشخص و معینی تأسیس می‌کنند. از این رو، رژیم‌های بین‌المللی به فعالیت‌های مرتبط با منافع اعضای نظام بین‌الملل تعلق دارند. وقتی رژیم بین‌المللی به مرحله‌ای از بلوغ رسید که توانست اقدام به تولید استانداردهای رفتاری میان اعضای خود کند، به صورت طبیعی کنش‌های اعضا پیرامون مسائلی که در دستورکار رژیم قرار دارند، یک‌شکل و یک‌دست خواهد شد. هرچند پیوستگی میان همگرایی انتظارات کنش‌گران و استانداردهای رفتاری از ویژگی‌های منحصربه‌فرد نهادهای اجتماعی به طور کلی و رژیم‌های بین‌المللی به صورت ویژه است، اما این بدان معنی نیست که هر دو به صورت همگام و هم‌زمان برای تشکیل رژیم لازم و ضروری باشد. اوران یانگ در این مورد معتقد است که بروز همگرایی میان انتظارات موجب شکل‌گیری استانداردهای رفتاری در رژیم بین‌المللی می‌شود.

رژیم‌های بین‌المللی هم به‌عنوان «متغیر مستقل» و هم به‌عنوان «متغیر واسطه‌ای» مطرح می‌شوند. رژیم‌ها در نقش متغیرهای واسطه‌ای، در چهارچوب قدرت تعریف شده و ابزار مکمل سیاست خارجی و امنیتی کشورها به شمار می‌آیند. اما وقتی رژیم‌های بین‌المللی به‌عنوان متغیر مستقل مطرح می‌شوند، در حقیقت به‌عنوان مبنا و مجرای برای افزایش و ارتقاء سطح همکاری‌ها در حوزه موضوعی خاصی قلمداد می‌شوند. در این چارچوب، رژیم‌های بین‌المللی، موجودیت‌های بین‌المللی هستند که با کمک دولت‌ها برای نظارت بر رفتار یکدیگر شکل می‌گیرند و ممکن است برخی رفتارها را غیرمشروع و برخی دیگر را مشروع کنند. رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل به‌عنوان نقطه تمرکز اراده کشورها برای مقابله با تروریسم، از مجموعه اصول، قواعد، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری تشکیل شده و از نقش قابل توجهی در شکل‌دهی به مقابله منظم و منسجم علیه تروریسم در گستره بین‌المللی برخوردار است. این رژیم محصول مستقیم قاعده‌گذاری شورای امنیت در حوزه موضوعی تروریسم به شمار می‌آید که از طریق تصمیمات الزام‌آور این شورا در قالب قطعنامه‌هایی مانند ۱۲۶۷، ۱۳۷۳ و ۲۱۷۸ ایجاد شده است.

مجموعه عناصر رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت عبارتند از «تعریف اقدامات تروریستی»، «الزام دولت‌ها به همکاری با یکدیگر»، «منع پشتیبانی تروریسم»، «اجرای تحریم‌های شورای امنیت» و «جرم‌انگاری و تعقیب کیفری تروریسم». این اصول، چارچوب اصلی و اساسی مقابله با تروریسم در قالب رژیم ضد تروریسم را ترسیم و مشخص می‌کند. در کنار اصول جزء ماهوی، رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت از جزء ساختاری نیز برخوردار است که به رژیم توانایی می‌دهد تا بر حسن اجرای اصول ماهوی نظارت مستمر داشته باشد و در صورت لزوم، توصیه و مشورت‌های لازم را به اعضاء یا نهادهای دیگر مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه دهد. این مجموعه منسجم و به هم مرتبط که با مجموعه‌ای از سازمان‌های بین‌المللی دیگر مانند گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، پلیس بین‌الملل و سایر نهادهای مرتبط بین‌المللی انسجام و هماهنگی دارد، پدیده‌ای است که در این مقاله به‌عنوان «رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم» مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

منابع

- کنت نیل، والتز (۱۳۹۲) **نظریه سیاست بین‌الملل**، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده و داریوش یوسفی، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- حق‌شناس، سید علی (۱۳۹۰) **مبانی دیپلماسی و آداب دیپلماتیک**، انتشارات سنا، چاپ اول.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹) **نظریه‌های امنیت**، انتشارات ابرار معاصر، چاپ اول.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴) **رؤییم‌های بین‌المللی**، انتشارات میزان، چاپ اول.
- موسی زاده، رضا (۱۳۹۳) **سازمان‌های بین‌المللی**، انتشارات میزان، چاپ بیست و سوم.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۱) **حقوق بین‌الملل عمومی**، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ چهل و دوم.
- فیرحی، داوود، ظهیری، صمد (۱۳۸۷) **تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)**، دوره ۳۸، شماره ۳.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۶) **ضد‌تروریسم نوین؛ فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال بیستم، شماره سوم.
- کدخدایی، عباسعلی (۱۳۹۰) **نقش سازمان‌های بین‌المللی در مبارزه با تروریسم**، ضرورت بازگشت به واقعیت، **مجموعه مقاله‌های کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه**، انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.
- عالی پور، حسن (۱۳۸۵) **تروریسم هسته‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال نهم، شماره سوم.
- الهوئی نظری، حمید، زوارجلالی، امیر فامیل (۱۳۹۶) **مسئولیت بین‌المللی دولت‌های تأمین‌کننده مالی تروریسم، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۷، شماره ۳.
- زرنشان، شهرام (۱۳۸۶) **شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تروریسم**، نشریه مرکز امور حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۶.
- نجومی، صابر، ولی زاده، امین (۱۳۹۰) **تنویر و تعیین مختصات حقوقی تروریسم**، اقدامات و ضرورت‌های نظام حقوق بین‌الملل، **مجموعه مقاله‌های کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه**، انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.
- رنجکش، محمدجواد، الهه، پورجواد (۱۳۹۶) **بررسی تطبیقی واکنش شورای امنیت سازمان ملل متحد به پدیده تروریسم قبل و بعد از یازده سپتامبر ۲۰۱۱، فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)**، دوره ۴۷، شماره ۲.
- قریبی، حسین (۱۳۹۸، ۱ دی) **ایران دربارۀ تهدید امنیت خود به هیچ وجه کوتاه نمی‌آید**، روزنامه اعتماد.
- قریبی، حسین (۱۳۹۶) **ایران؛ ایستاده در برابر تروریسم**، سخنرانی در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، قابل بازیابی در: <http://www.css.ir/fa/content/112645>

- Stephen D. Krasner (1983) **International Regimes**, Cornell University Press
- Pulkowski Dirk (2014) **The Law and Politics of International Regime Conflict**, Oxford University Press
- Oran R. Young: Regime dynamic (1982) The Rise and Fall of International Regime, **International Organizations**, Vol. 36.
- Oran R. Young (2009) The Politics of International Regime Formation: Managing Natural Resources and the Environment, **International Organization**, Vol. 43.
- Robert O. Keohane (1982) The Demand for International Regimes, **International Organization**, Vol. 36.
- Stephan Haggard and Beth A. Simmons (1978) Theories of International Regimes, **International Organization**, Vol. 3.
- Eric, Rosand (2003), Security Council Resolution 1373, the Counter - Terrorism Committee, and the Fight against Terrorism, **The American Journal of International Law**, Vol. 97.
- Lisa Martin and Beth Simmons (2012) **International Organizations and Institutions Handbook of International Relations**, Vol. 13.
- The United Nations Counter-Terrorism Complex (2017) Secretariat Building at United Nations Headquarters.
- Einsiedel, Sebastian von (2016) Assessing the UN's Efforts to Counter Terrorism, **United Nations University Centre for Policy Research Occasional**, Paper 8
- Global Terrorism Index (25 November 2019) **Geneva Center for Security Policy**, Available at: <https://www.gcsp.ch/publications/global-terrorism-index-2019>
- Global Terrorism Index (2018) CTED Fact Sheet 2018, available at: https://www.un.org/sc/ctc/wpcontent/uploads/2018/07/ctc_cted_fact_sheet_25_june_2018_designed.pdf
- Letter dated 19 February 2004 from the Chairman of the Security Council Committee Established Pursuant to Resolution 1373 (2001) concerning counter-terrorism addressed to the President of the Security Council, available at: http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/2004/124
- Security Council Resolution 1368, 12 September 2001, Available at: [https://undocs.org/S/RES/1368\(2001\)](https://undocs.org/S/RES/1368(2001))
- Security Council Resolution 1373, 28 September 2001, Available at: [https://undocs.org/S/RES/1373\(2001\)](https://undocs.org/S/RES/1373(2001))
- Security Council Resolution 1535, 26 March 2004, Available at: [https://undocs.org/S/RES/1535\(2004\)](https://undocs.org/S/RES/1535(2004))
- Security Council Resolution 2249, 20 November 2015, Available at: [https://undocs.org/S/RES/2249\(2015\)](https://undocs.org/S/RES/2249(2015))
- Security Council Resolution 2462, 28 March 2019, Available at: [https://undocs.org/S/RES/2462\(2019\)](https://undocs.org/S/RES/2462(2019))
- Security Council Resolution 1566, 8 Oct 2004, Available at: [https://undocs.org/S/RES/1566\(2004\)](https://undocs.org/S/RES/1566(2004))
- International convention for the suppression the financing of terrorism, 15 Dec 1997, available at: <https://treaties.un.org/doc/db/Terrorism/english-18-11.pdf>
- International Convention for suppression of Terrorist Bombings, 12 Jan 1998, Available at: https://sherloc.unodc.org/res/cld/treaties/definitions/treaty/international_convention_for_the_suppression_of_terrorist_bombings_1997_html/Terrorist_Bombing_Convention_English.pdf
- Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples, General Assembly resolution 1514 (XV) of 14 December 1960, Available at: <https://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/Independence.aspx>

